ابرقدرت بی‌تعهد

امریکایی که دیگر متعهد به هیچ معاهده‌ای نیست

رویکرد
سیدرحیم نعمتی

معاهده آب و هوایی پاریس، برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام، پیمان تجاری اقیانوس آرام یا شراکت ترنس- پاسیفیک(TPP) قرارداد تجارت آزاد امریکای شمالی یا نفتا، پیمان تجاری و سرمایه‌گذاری ترنس- آتلانتیک(TTIP) معاهده تجارت تسلیحات(ATT) سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد یا یونسکو، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیمان مهاجرتی سازمان ملل یا پیمان نیویورک، پروتکل بین‌المللی انتخابی مرتبط با حل و فصل اختلافات در کنوانسیون ژنو، پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد و(INF). این فهرست بلندی از پیمان، معاهدات یا نهادهای بین‌المللی است که امریکا در این مدت کوتاه از ریاست جمهوری دونالد ترامپ از آنها خارج شده و این جدای از مخالفت‌هایی است که او گاه و بیگاه با دیگر پیمان‌ها نظیر پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو و پیمان دفاعی با ژاپن داشته است. حالا او سازمان تجارت جهانی را هدف گرفته و می‌گوید اگر مجبور شویم از این سازمان هم خارج می‌شویم. به نظر می‌رسد امریکا با رهبری ترامپ آنچنان سرکش شده است که دیگر حاضر نیست به هیچ پیمان و معاهده بین‌المللی تن دهد و در این بین، جنگ تجاری او با چین وحشت از رکود اقتصادی را به بازارهای بورس امریکا بازگردانده است.

اول امریکای ترامپ

شکی نیست که مبنای اساسی ترامپ برای خروج از انواع و اقسام این پیمان‌ها و نهادهای بین‌المللی شعار «اول امریکا»ی او است که قبل از رسیدن به کاخ ریاست جمهوری و در زمان مبارزات انتخاباتی سر می‌داد. برای مثال، او در مناظره انتخاباتی با رقیبش هیلاری کلینتون از سوی حزب دموکرات انگشت بر نفتا گذاشت و مدعی شد این پیمان کار و کسب امریکایی‌ها را تباه کرده و باعث خروج سرمایه‌ها از امریکا شده است. انگشت گذاشتن او بر این پیمان از جهتی مربوط می‌شد به شخص رقیبش زیرا نفتا در زمان ریاست جمهوری شوهرش بیل کلینتون و سال ۱۹۹۳ امضا شد اما از جهتی دیگر به رویکرد کلی ترامپ ارتباط داشت. او همان موقع به پیمان آب و هوایی پاریس حمله می‌کرد و آن را مانع رشد اقتصادی امریکا می‌دانست و علاوه بر این پیمان‌هایی نظیر TPP و TTIP را هم مورد حمله قرار می‌داد. در واقع، رویکرد او بر پایه همان تصوری است که قشر قابل توجهی از نخبگان سیاسی و اقتصادی امریکا به خصوص در میان جمهوریخواهان از کشورشان دارند به اینکه چون امریکا قدرتمندترین کشور اقتصادی و نظامی جهان است پس ضرورتی ندارد با عضویت در پیمان‌های بین‌المللی خود را محدود کند. این رویکرد باعث می‌شود تا تصمیم ترامپ برای خروج از پیمان‌های بین‌المللی ناشی از رویکرد شخصی او باشد و موقعیت ریاست جمهوری این فرصت را به او داده است تا آن را عملی کند.

با وجود این افرادی همانند استیو بنن، پیتر ناوارو و الکساندر گری در ابتدای کار و بعدتر جان بولتون و مایک پمپئو در اطراف ترامپ بودند که با این رویکرد او هم‌نظر بودند و حتی می‌توان گفت که افراطی‌تر از او نیز بوده و هستند. برای مثال، ترامپ حتی قبل از ورود به کاخ سفید و بر مبنای همین رویکرد موضع ضدچینی داشت چنان که تماس تلفنی او با تسای اینگ‌ون، رئیس دولت تایوان تنها سه هفته بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ اعتراض شدید چین را به دنبال داشت و این کار او به طور کامل منطبق با سخنانی انجام شد که بنن همان موقع بیان کرده بود. بنن آن موقع در یک مصاحبه رادیویی از لزوم شدت عمل امریکا در ارتباطش با چین گفته بود و حتی تا اینجا پیش رفته و پیش‌بینی کرده بود امریکا و چین ظرف ۱۰ سال آینده درگیر جنگ خواهند شد. ناوارو و گری هم بنابر همین رویکرد بود که بعد از ورود ترامپ به کاخ سفید خواستار افزایش ۳۵۰ کشتی به ناوگان دریایی امریکا در اقیانوس آرام برای مقابله با چین شده بودند. با در نظر گرفتن این نکته است که می‌توان گفت رویکرد ترامپ چندان شخصی نیست بلکه طیفی از نخبگان سیاسی و اقتصادی امریکا چنین رویکردی دارند و ترامپ به نمایندگی و با اتکا به حمایت آنهاست که این رویکرد را با بی‌پروایی دنبال می‌کند.

جنگ‌های اقتصادی ترامپ

رویکرد ترامپ بر خلاف اسلافش به خصوص جورج دبلیو بوش و پیش‌بینی استراتژیست ارشد سابقش منجر به یک رویارویی نظامی نشده و حتی شدیدترین بحران مثل سقوط پهپاد پیشرفته گلوبال هاوک امریکایی بر فراز تنگه هرمز هم باعث نشد ترامپ طرح وزارت دفاع امریکا برای حمله به سه پایگاه نظامی ایران را تأیید کند. به جای این واکنش او تشدید تحریم‌های ایران بود. در واقع، پیامد رویکرد اول امریکای ترامپ بیش از هر چیز در عرصه اقتصاد و نوع جدیدی از جنگ اقتصادی نمودار شده است که خود را یا به صورت جنگ تعرفه‌ها نشان می‌دهد یا جنگ تحریم‌ها. چین، اتحادیه اروپا، کانادا و مکزیک از جمله اهداف جنگ تعرفه‌ها و روسیه، ایران، ونزوئلا و مدتی هم ترکیه از اهداف جنگ تحریم‌ها بودند. در این میان اصلی‌ترین، گسترده‌ترین و تأثیرگذارترین عرصه جنگ اقتصادی ترامپ با چین بوده است که پیش‌درآمد این جنگ با درخواست از سازمان تجارت جهانی در آوریل ۲۰۱۸ برای بررسی نقض مالکیت فکری از سوی چین شروع شد و بعد هم ترامپ در ۲۲ مارس همان سال از دفتر نماینده تجاری امریکا خواست برای وضع ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار تعرفه گمرکی بر کالاهای وارداتی چینی به امریکا اقدام کند. این دستور او متکی به بخش ۳۰۱ از قانون تجارت مصوب سال ۱۹۷۴ بود که اجازه می‌داد در مقابل اقدامات غیرمنصفانه چین تعرفه‌های گمرکی وضع شوند. تعرفه‌های مورد نظر بر بیش از ۱۳۰۰ کالای چینی از جمله قطعات هواپیما، انواع باتری‌ها، تلویزیون‌های صفحه تخت، ابزار پزشکی، قطعات ماهواره‌ای و قطعات تسلیحاتی وضع شد. وزارت بازرگانی چین در پاسخ به این اقدام امریکا تعرفه بر ۱۲۸ کالای وارداتی امریکا از جمله ۲۵درصد تعرفه بر آلومینیوم، هواپیما، اتومبیل، گوشت خوک و سویا و ۱۵درصد تعرفه بر میوه‌ها، پسته و لوله‌های فولادی وضع کرد. دور بعدی جنگ ترامپ ۱۰۰میلیاردی بود و سعی کرد با ادعاهایی نظیر کسری ۵۰۰میلیارد دلاری در تراز تجاری با چین شدت گرفتن جنگ تعرفه با چین را توجیه کند.

بازگشت رکود جهانی

تأثیر جنگ تعرفه ترامپ با چین طی یک سال گذشته به خوبی در آمارهای بانک جهانی دیده می‌شود. بانک جهانی در گزارش ۵ژوئن وضعیت اقتصاد جهانی و در یک نگاه کلی، افزایش قابل توجه در میزان تعرفه‌های امریکا را مطرح کرده است به نحوی که میزان ۲درصد تعرفه در سال ۲۰۱۷ به ۴درصد در ۲۰۱۹ رسیده و پیش‌بینی کرده است این شاخص تا پایان سال جاری میلادی به ۸درصد خواهد رسید. طبق این گزارش، متوسط تعرفه اعمالی بر کل کالاهای وارداتی چین از حدود ۴درصد در سال ۲۰۱۷ به بالای ۵درصد رسیده و احتمال داده شده است این میزان تا پایان سال جاری تا ۶درصد هم برسد. بانک جهانی در این گزارش و با اتکا به داده‌هایش رشد اقتصادی جهانی را کمتر از آن‌چیزی پیش‌بینی کرده است که پیش از این گفته بود. در حالی که رشد اقتصادی جهان در سال گذشته نزدیک به ۳درصد بود در سال جاری به حد ۲/۶ درصد رسیده و بانک جهانی ادامه این روند کاهش را پیش‌بینی کرده است. حالا بعد از گذشت دو ماه از آن گزارش، افت شدید در شاخص‌های بازار بورس وال استریت نگرانی از بازگشت رکود اقتصادی را به وجود آورده است. بازارهای مالی امریکا روز چهارشنبه گذشته سقوط ناگهانی ارزش سهام را تجربه کرد تا جایی که شاخص داوجونز با کاهش بیش از ۸۰۰ واحدی روبه‌رو شد. بانک امریکا پیش‌بینی کرده‌است اقتصاد امریکا در سال جاری با احتمال یک به ۳ وارد رکود خواهد شد و این بانک هم ۲/۷۵ درصد ارزش خود را در بازار سهام از دست داد. تارنمای پولیتیکو بعد از سقوط بازار بورس وال استریت در روز چهارشنبه گذشته از وقوع طوفانی گفته است که می‌تواند مقدمه‌ای برای طوفانی بزرگ‌تر در اقتصاد امریکا باشد. به نظر می‌رسد نگرانی از بازگشت رکود آنقدر جدی باشد که از حالا بر انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال بعد سایه انداخته است و برخی معتقدند این وضعیت می‌تواند به رکود شدید اقتصادی در سال آینده میلادی دامن بزند و ترامپ را برای انتخاب مجددش در سال ۲۰۲۰ دچار مشکل اساسی کند. شاید به همین جهت باشد که ترامپ از حالا به فکر افتاده و در یک عقب‌نشینی آشکار اعلام کرده که اعمال تعرفه ۱۰درصدی بر کالاهای وارداتی چین را به تأخیر خواهد انداخت. قرار بود این تعرفه از ماه سپتامبر اعمال شود که ترامپ با این تغییر راهبرد عقب‌نشینی کرده است اما باید دید این کار می‌تواند مسیر اقتصاد امریکا و جهان را به سمت رکود تغییر دهد. به نظر می‌رسد او مشکل کار را هنوز متوجه نشده و نفهمیده است مسئله در تاکتیک‌هایش نیست بلکه کل راهبرد او و شعار اول امریکاست که این وضعیت را به وجود آورده و باعث شده است امریکا با پشت پا زدن به تمامی پیمان‌ها و معاهدات بین‌المللی دوباره به سمت رکود بغلتد.

صلح امریکایی- طالبانی بدون افغانستان

تجربه دولت دکتر نجیب تکرار خواهد شد؟

دورنما
سیدعباس حسینی

به نظر می‌رسد نمایندگان امریکا و طالبان از اینکه به توافق نهایی صلح در مورد افغانستان نزدیک شده‌اند، خوشحالند و به خود می‌بالند، اما وضعیت در طرف افغانستان به گونه‌ای دیگر است. در حالی که زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا جهت صلح افغانستان برای انجام مشورت‌ها و تصمیم‌گیری نهایی در مورد توافق با طالبان به واشنگتن رفته است و طالبان نیز رایزنی‌ها در مورد توافق نهایی با امریکا را در سطح رهبری آغاز کرده، محمد اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان شدیداً نگران توافقی است که تاکنون از جزئیات آن بی‌خبر است.

بعد از پایان هشتمین دور مذاکرات نمایندگان امریکا و طالبان، نماینده ویژه امریکا بدون سفر به کابل و در جریان گذاشتن دولت افغانستان، ابتدا راهی برخی کشورهای منطقه و اروپایی از جمله هند، نروژ و آلمان شد و دوباره به قطر رفت و سپس به امریکا برگشت. زلمی خلیل‌زاد روز سه‌شنبه(۲۲مرداد) در توییتی قبل از سفر به امریکا با اعلام پایان دور هشتم مذاکرات با طالبان اعلام کرد دو طرف روی جزئیات فنی توافق صلح، بحث‌های مفیدی داشتند و او در حال بازگشت به واشنگتن برای مشورت در مورد گام‌های بعدی است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان نیز در توییتی نوشت:«موافقت کردیم در مورد اقدامات آینده هر دو جانب با رهبری مشورت نماییم.»

اما در حالی که توییت‌های این دو طرف امیدوارکننده به نظر می‌رسد، رئیس جمهور افغانستان شدیداً نگران است. روز سه‌شنبه ۲۲مرداد اشرف غنی در نشستی با حضور نیروهای امنیتی و دفاعی این کشور در مقر وزارت دفاع با عصبانیت تأکید کرد: «آنهایی که فکر می‌کنند دوران پس از سرنگونی دولت دکتر نجیب‌الله تکرار خواهد شد، خواب و خیال می‌بینند. من به شما قول می‌دهم با آینده نیروهای امنیتی و دفاعی معامله نخواهم کرد. شما خواهید ماند. ما هیچ توافقی را که هویت و اقتدار ملی نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان در آن محافظت نشود، قبول نمی‌کنیم. هر کس که فکر می‌کند دوران بعد دکتر نجیب را سر قوای مسلح افغانستان تکرار می‌کند، خواب است و خیال است و این خیال را به گور ببرد.»

این نخستین ابراز نگرانی اشرف غنی در باره ماهیت مذاکرات پنهان امریکا و طالبان و نخستین نگرانی او در مورد تکرار سرنوشت دکتر نجیب‌الله آخرین رئیس‌جمهور حاکمیت کمونیستی در افغانستان نیست. این سخنان دارای پیام مشخص و بیان‌کننده اوج نگرانی اشرف غنی است. به گواهی تاریخ، یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌هایی که پس از شکست دکتر نجیب و کنار رفتن او و افتادن قدرت در افغانستان به دست مجاهدین به وقوع پیوست، نابودی ارتشی بود که با توجه به کمک‌های نظامی و آموزش‌های پیشرفته اتحاد جماهیر شوروی، یکی از مقتدرترین نیروهای نظامی در سطح منطقه بود، اما با به قدرت رسیدن مجاهدین کاملاً منهدم شد و تمامی سرمایه‌ها، امکانات و تجهیزاتش به تاراج رفت. در نتیجه، با فروپاشی ارتش افغانستان پس از دکتر نجیب، بحران، هرج و مرج و جنگ‌های شدید قدرت میان جریان‌های شبه‌نظامی جهادی اوج گرفت و کابل و سراسر این کشور صحنه درگیری‌های خونین کوچه به کوچه شد.

این در حالی است که به باور برخی آگاهان، دوران کنونی محمد اشرف غنی، شباهت‌هایی با اواخر دوران دکتر نجیب دارد؛ از یک‌سو مسئله خروج نیروهای خارجی همانند خروج ارتش سرخ شوروی از افغانستان مطرح است و از سوی دیگر، کاهش شدید کمک‌های مالی و نظامی به این کشور و رها کردن افغانستان به حال خود.

به واقع، در شرایط کنونی نیز انحلال ارتش و پلیس افغانستان، در حالی که طالبان ادعای پیروزی در جنگ را سر می‌دهد، می‌تواند به معنای بازگشت به گذشته و قربانی شدن دستاوردهای ۱۸ سال گذشته باشد. طالبان در گذشته نیز علاقه خود را در باره انحلال ارتش و نیروهای امنیتی افغانستان نشان داده‌است زمانی که عباس استانکزی، مسئول هیئت مذاکره‌کننده این گروه در این مورد سخن گفت و وقتی این سخنان با واکنش‌های شدیدی در داخل افغانستان مواجه شد، حرف خود را پس گرفت و گفت منظور او، اصلاح ارتش بوده، نه انحلال آن.

> **امریکایی‌ها برای پیگیری منافع و اهداف خود در منطقه، به خصوص در قلب آسیا همواره در افغانستان بحران آفریدند تا با مدیریت آن منافع خود را تأمین کنند، اما هرجا که دیگر حضورشان به نفع نبود، این کشور را با بحرانی که خود خلق کردند تنها گذاشتند**

بر این اساس، نگرانی محمد اشرف غنی همزمان با پایان دور هشتم مذاکرات امریکا و طالبان، بیانگر محتوای جدی و نگران‌کننده این دور از مذاکرات درباره سرنوشت و آینده افغانستان است؛ آینده‌ای که رئیس‌جمهور افغانستان بر اساس آن از تکرار تجربه تلخ دکتر نجیب در مورد او هراس دارد.

در روزهای اخیر، پس از سه‌شنبه(۲۲ مرداد) برخی زوایای پنهان توافق احتمالی امریکا با طالبان روشن شده است. در ابتدا هفته‌نامه نیوزویک امریکا در گزارشی به نقل از مقام‌های پنتاگون نوشت به نیروهای امریکایی در افغانستان دستور داده شده است تقریباً تمام عملیات جنگی تهاجمی علیه طالبان را محدود نمایند و مسئولیت مشاوره خود برای نیروهای امنیتی افغانستان را کاهش دهند؛ هرچند پس از آن فرماندهی نیروهای امریکا در افغانستان این گزارش را رد کرد و گفت چنین دستوری به آنها نرسیده است.

به دنبال این گزارش، برخی رسانه‌های داخلی افغانستان به نقل از برخی منابع و آگاهان، جزئیات بیشتری از توافق احتمالی امریکا و طالبان اعلام کردند. بر اساس این گزارش‌ها خروج کامل نظامیان خارجی از افغانستان، لغو تمامی قراردادهای امریکا با دولت افغانستان، آزادی ۳۵هزار زندانی طالبان و از بین رفتن تمامی پایگاه‌های نظامی نیروهای خارجی در افغانستان از موارد برجسته این توافقنامه است.

نکته دیگر این که امریکا همزمان با امضای توافق صلح با طالبان، توافق جدیدی را با دولت افغانستان نیز امضا می‌کند. به گفته سخنگوی ریاست اجرایی دولت افغانستان، در این توافقنامه تأکید خواهد شد دولت افغانستان از توافقنامه صلح امریکا و طالبان آگاه است و این توافقنامه در هماهنگی با این دولت صورت گرفته است.

بر اساس جزئیات جدید، دولت افغانستان و منابع نزدیک به طالبان هر دو می‌پذیرند که پس از امضای توافقنامه‌های جداگانه امریکا با طالبان و دولت افغانستان، مذاکرات بین‌الافغانی آغاز خواهد شد؛ مذاکراتی که به گفته دولت، روی توافق سیاسی و آتش‌بس متمرکز خواهد بود، اما به گفته منابع نزدیک به طالبان، نخست در نوعیت نظام آینده سیاسی و شکل‌گیری کمیسیون تعدیل قانون اساسی و پس از آن آتش‌بس، محور گفت‌وگوها خواهد بود. با توجه به آنچه بیان شد، نگرانی رئیس‌جمهور افغانستان حداقل دارای دو بُعد است:

بُعد اول این که امریکا و طالبان پیشاپیش و بدون حضور دولت افغانستان در مورد محورهای مذاکرات بین‌الافغانی به توافق رسیدند و این دولت تنها باید زیر فشار و دیکته امریکا این محورها را تأیید کند؛ محورهایی همچون سرنوشت نیروهای امنیتی و دفاعی، قانون اساسی، نظام سیاسی موجود و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان که آینده این کشور را هدف گرفته است.

بُعد دوم، کاهش شدید تعهدات دولت امریکا در قبال دولت افغانستان و رها کردن این دولت ضعیف شده به حال خود است. افغانستان در شرایط کنونی در یک فضای بی‌ثبات امنیتی، سیاسی و اقتصادی قرار دارد؛ شرایطی که شدیداً به کمک‌های مالی و نظامی امریکا و همپیمانان این کشور در ناتو وابسته است. اشرف غنی نگران است با کاهش شدید تعهدات امریکا بر خلاف توافق‌های گذشته، او و دولتش رو به سقوط و نابودی گام بردارد.

متأسفانه در طول سال‌هایی که امریکا در افغانستان حضور دارد، همواره بر محور منافع خود عمل کرده و هیچ توجهی به منابع ملی افغانستان نداشته است. این کشور در مواقع مختلف، به خصوص پس از سقوط حاکمیت وابسته به اتحاد جماهیر شوروی، افغانستان بحران‌زده را که خود عامل این بحران بود، به حال خود رها کرد و حالا به نظر می‌رسد تاریخ بار دیگر در حال تکرار است. امریکایی‌ها برای پیگیری منافع و اهداف خود در منطقه، به خصوص در قلب آسیا همواره در افغانستان بحران آفریدند تا با مدیریت آن منافع خود را تأمین کنند، اما هرجا که دیگر حضورشان به نفع نبود، افغانستان را با بحرانی که خود خلق کردند تنها گذاشتند.

روزهای آینده، روزهای مهم و سرنوشت‌سازی برای افغانستان و آینده ثبات سیاسی و امنیتی این کشور خواهد بود. نمایان می‌شود این‌بار امریکایی‌ها چه معامله‌ای با سرنوشت این کشور خواهند کرد؟!

نوبت اول

فراخوان عمومی شناسایی سرمایه گذار

(مشارکت بخش خصوصی و دولتی)

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد براساس « دستورالعمل ماده ۲۷ قانون الحاق برخی از مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)»، با مشارکت بخش خصوصی اقدام به اجرای پروژه تامین آب آشامیدنی مجتمع روستایی خانمیرزا- شهرستان لردگان نماید، لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید، اعلام آمادگی خود را در قالب رزومه کاری حداکثر تا ۱۰ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم، به دبیرخانه شرکت به آدرس شهرکرد- بلوار طالقانی، مجتمع ادارات طالقانی، شرکت آب و فاضلاب روستایی استان چهارمحال و بختیاری تحویل نمایند.

شماره تماس جهت کسب اطلاعات بیشتر: ۳۲۲۴۵۱۸۹ و ۳۲۲۲۰۴۷۶ پیش شماره ۰۳۸

تاریخ چاپ آگهی نوبت اول: ۱۳۹۸/۵/۲۶-تاریخ چاپ آگهی نوبت دوم: ۱۳۹۸/۶/۱۰

شناسه آگهی: ۵۶۷۶۴۷

اداره امور حقوقی و قراردادهای شرکت آب و فاضلاب روستایی استان چهارمحال و بختیاری

فرم اشتراک روزنامه جوان

ویژه تهران

۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۵۲۳۰۴۰۰۷ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.
۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.
۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.
۴. لطفا کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید.
۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: ..... نام و نام خانوادگی: ..... تلفن تماس: .....
نام شرکت یا موسسه: ..... کدپستی الزامی است: .....
نشانی: .....

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۸۲۵/۰۰۰	۱/۷۵۰/۰۰۰	۲/۴۷۵/۰۰۰	۳/۳۰۰/۰۰۰

توضیح: ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان عزیز و آزادگان سرافراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم

تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ نمابر: ۸۸۳۴۱۶۵۰

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان

تلفنی آگهی می‌پذیرد

۸۸۳۴۱۶۵۴